

ارتقاء تراز بانک اسلامی برای افزایش سهم پرداخت تسهیلات بدون سود (کارمزدی)

مجید دادخواه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۱۶

چکیده:

با گذشت بیش از سه دهه از اجرای قانون بانکداری اسلامی (بدون ربا) این سؤال مطرح می‌گردد که چرا با وجود اثبات نقش نرخ بهره (سود تسهیلات بانکی) در افزایش میزان تورم در سطح جامعه و وجود شبهات فقهی متعدد در نحوه پرداخت تسهیلات بانکی مبتنی بر اخذ سود، تسهیلات بدون بهره (کارمزدی) تنها سهم ناچیزی از کل تسهیلات پرداختی سیستم بانکی کشور را شامل می‌شود و این دسته از تسهیلات در دسترس همه اشخاص قرار ندارد. در این مقاله ضمن بررسی علل پدید آمدن این شرایط با ارائه رابطه حقوقی جدید، راهکار مناسبی جهت رفع محدودیت‌های موجود در پرداخت تسهیلات مبتنی بر کارمزد ارائه می‌گردد و با استفاده از فقه استدلالی نشان خواهیم داد تسهیلات پرداخت شده با این روش منطبق با ضوابط و چهارچوب بانکداری اسلامی است همچنین منافع حاصل از سپرده‌گذاری اشخاص با رابطه حقوقی پیشنهادی مصداق ربح (سود حاصل از کسب و کار) خواهد بود.

واژه های کلیدی: تورم، مشارکت مدنی، تسهیلات قرضی-کارمزدی، ربح، ربا

طبقه‌بندی JEL: E5

^۱. کارشناس ارشد ریاضی کاربردی و علوم بانکی-کارمند بانک قرض‌الحسنه مهر ایران

ma_dadkhah@yahoo.com

مقدمه

براساس آنچه که در فقه اسلامی دریافت پول اضافی از وام‌گیرنده ربا و حرام است، مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا را تصویب کرد و این قانون از سال ۱۳۶۳ اجرایی شد. براساس این قانون سپرده‌گذاری اشخاص به منظور کسب سود در بانک تحت عقد (رابطه حقوقی) قرض نمی‌باشد و تحت عقد دیگری به نام وکالت قرار دارد. همچنین درخصوص اخذ وام و قرض از بانک و پرداخت سود مازاد بر اصل، بانک‌ها از عقود متفاوتی نظیر جعاله مضاربه و مشارکت استفاده می‌کنند و شخص وام‌گیرنده را به مشارکت گرفته و پول را مضاربه و می‌دهد و وام‌گیرنده سود حاصل از مضاربه و را به بانک پرداخت می‌نماید. از آنجا که بیش از ۹۵ درصد تسهیلات پرداختی بانک‌ها در سال‌های اخیر غیرقرض‌الحسنه و مبتنی بر سایر عقود اسلامی و اخذ سود از تسهیلات‌گیرندگان بوده است و نرخ سود تسهیلات تأثیر مستقیمی بر میزان تورم در جامعه دارد، در این مقاله به دنبال ارائه راه‌کاری جهت افزایش سهم تسهیلات کارمزدی در میان تسهیلات پرداختی سیستم بانکی هستیم. تاکنون تحقیقات و پژوهشی با فرضیات مطرح شده صورت پذیرفته است.

هدف از انجام این پژوهش یافتن راه حل مناسب جهت رفع موانع و محدودیت‌های پرداخت تسهیلات مبتنی بر اخذ کارمزد می‌باشد به گونه ای که اجرای آن منطبق با ضوابط و شرایط دین مبین اسلام باشد.

در ابتدا ضمن مرور ابزارهای موجود در قانون بانکداری اسلامی، نقاط ضعف حاصل از اجرای این قانون را بررسی می‌نماییم. سپس به منظور رفع نواقص مطرح شده نسبت به ارائه روابط حقوقی جدید اقدام گردیده انطباق روابط جدید و پرداخت تسهیلات با منابع حاصل از آن را با قوانین شرع مبین اسلام بررسی می‌نماییم. و در نهایت نتایج حاصل از به‌کارگیری روابط جدید را ارائه خواهیم داد.

۱. نقدی بر اجرای قانون بانکداری اسلامی

براساس فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها مجازند تحت عناوین زیر اقدام به جذب سپرده و منابع نمایند.

الف: سپرده‌های قرض‌الحسنه که عبارتند از: ۱- جاری ۲- پس‌انداز

ب: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار که عبارتند از: ۱- کوتاه مدت ۲- بلند مدت

تجهیز منابع مالی بانکها براساس ابزارهای موجود دارای نقایصی به شرح ذیل است:

۱-۱. رابطه حقوقی سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه با بانک یا مؤسسه پذیرنده آن

در این قانون رابطه حقوقی تعریف شده برای سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه، قرض‌دهنده (داین) و برای بانک یا مؤسسه پذیرنده قرض‌گیرنده (مدیون) تعریف شده است. با توجه به مفهوم قرض، این منابع به تملک بانکها درآمده و بانکها می‌توانند آزادانه درباره آن تصمیم‌گیری و استفاده نمایند اما با توجه به سرمایه ثبتي بانکها و داراییشان و نکوهش قرض گرفتن در تعالیم اسلام (درمقابل فريضه قرض‌دادن) عنوان رابطه قرض‌گیرنده برای بانکها صحیح به نظر نمی‌رسد. همچنین با توجه به این رابطه بانک یا مؤسسه پذیرنده متعهد به پرداخت صرفاً اصل سپرده قرض‌الحسنه می‌باشد بنابراین اگر این قبیل سپرده‌گذاران به نیت دریافت وام قرض‌الحسنه اقدام به سپرده‌گذاری نمایند و به عبارت دیگر پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه (بدون بهره) منوط به سپرده‌گذاری متقاضی برای مدت و میزان مشخص و یا تحت هر شرط دیگر باشد با توجه به فتاوی اکثریت فقهای شیعه در رابطه فعلی، چون سپرده‌گذار علاوه بر سپرده قرض‌الحسنه خود (قرض‌پرداختی) زیاده‌ای به نام وام قرض‌الحسنه را مطالبه می‌کند، این رابطه در حکم معامله ربوی و حرام است. رویه ای که بر خلاف ضوابط و مقررات موجود به روشی برای دریافت تسهیلات کم‌بهره در مؤسسات قرض‌الحسنه تبدیل شده است.

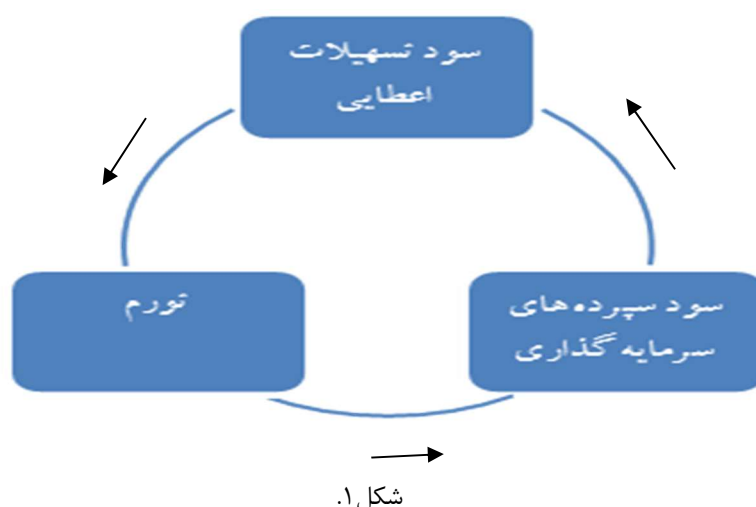
بر این اساس بانکها و مؤسسات (غیر از تسهیلات خرید و ساخت مسکن) مجاز به ارائه طرح و شرایط سپرده‌گذاری به منظور اخذ هرگونه تسهیلات نمی‌باشند و می‌توان گفت عملاً راهی برای استفاده عامه مردم از تسهیلات کم‌بهره پیش‌بینی نشده است.

۲-۱. سهم اندک و ناچیز تسهیلات قرض‌الحسنه نسبت به کل تسهیلات پرداختی بانکها

براساس آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی، به واسطه محدودیت منابع قرض‌الحسنه و محدودیت‌های قانونی بند ۲۰۱ و همچنین سقف ریالی، این قبیل تسهیلات تنها پنج درصد از میزان کل تسهیلات پرداختی بانکها را شامل می‌شوند. که این میزان ناچیز نیز در موارد خاص نظیر تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و درمان و مددجویان نهادهای حمایتی و مصرف شده است و لذا تقاضای عمده کارآفرینان، صاحبان مشاغل و تقریباً همه متقاضیان تسهیلات، بهره‌مندی از سایر تسهیلات و عقود بانکی مستلزم پرداخت سود می‌باشد به عبارت دیگر غالب تسهیلات پرداختی در نظام بانکداری اسلامی کنونی مبتنی بر اخذ سود و متأثر از نرخ سود می‌باشد.

۳-۱. تأثیر نرخ سود تسهیلات بانکی بر میزان تورم در سطح جامعه

با توجه به آنکه تغییرات نرخ سود بانکی اثرات قابل توجهی بر سایر عامل‌های اقتصادی دارد و به عنوان یکی از متغیرهای سیاست‌گذاری در اقتصاد کلان مطرح است، تحقیقات و مقالات گسترده‌ای در خصوص رابطه بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم صورت پذیرفته که از آن جمله بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و نرخ تورم با استفاده از داده‌های تابلویی (مهرگان، عزتی و اصغری، ۱۳۸۵) می‌باشد. براساس نتایج این پژوهش از لحاظ آماری افزایش نرخ بهره (سود تسهیلات بانکی) سبب افزایش نرخ تورم می‌شود به عبارت دیگر نرخ بهره علت نرخ تورم می‌باشد. به بیان ساده و با نظراثریت متخصصان اقتصاد اسلامی به ویژه در ایران که معتقدند که افزایش نرخ بهره سبب افزایش هزینه‌های تولید و خدمات و به تبع آن موجب افزایش سطح قیمت‌ها و تورم می‌شود و لذا افزایش نرخ تسهیلات بانکی سبب افزایش نرخ تورم خواهد بود. از سوی دیگر نتایج تحقیقات صورت پذیرفته در خصوص رابطه بین نرخ تورم و نرخ سود سپرده‌های بانکی در سیستم بانکداری ایران (ابونوری و سجادی، ۱۳۹۲) بیانگر وجود رابطه مثبت و معناداری می‌باشد که براساس آن جهت تأثیرگذاری تورم بر انواع سپرده‌ها به صورت مستقیم وجود دارد به بیان دیگر یکی از مبانی تعیین نرخ سود سپرده‌های بانکی میزان تورم در سطح جامعه است و با آن رابطه مستقیم دارد تا سرمایه‌گذاری سپرده‌گذاران در بانک‌ها توجیه منطقی داشته باشد و لذا می‌توان نتیجه گرفت در صورت افزایش نرخ تورم، نرخ سود سپرده‌های بانکی افزایش خواهد یافت. و در نهایت افزایش نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری علت افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی می‌باشد و با آن رابطه مستقیم دارد زیرا منابع پرداخت تسهیلات بانکی سپرده‌های سرمایه‌گذاری می‌باشند و بانک‌ها با افزایش هزینه جذب این منابع ناگزیر به افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی خواهند بود لذا از مجموع موارد مطروحه در این بند می‌توان نتیجه گرفت در سیستم بانکداری کنونی دور باطلی با بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی به شکل ۱ برقرار است.



که افزایش هر یک سبب افزایش دو عامل دیگر می‌گردد. از آنجا که افزایش میزان تورم در سطح جامعه سبب می‌گردد صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری بهره‌ناچیزی از سرمایه‌گذاری خود در بانک‌ها ببرند و این سرمایه‌گذاری برای ایشان بازده ناچیزی داشته است و از آنجا که تأمین مالی اکثریت شرکت‌های تولیدی از طریق بانک‌ها صورت می‌پذیرد و پرداخت سود تسهیلات بانکی به طور مستقیم سبب کاهش سود عملیاتی این شرکت‌ها می‌شود لذا عناصر مختلف این چرخه اعم از سپرده‌گذار و گیرنده تسهیلات به واسطه تورم ایجاد شده دارای زیان بوده و از سرمایه‌گذاری و مشارکت انجام شده بهره‌مناسبی نبرده‌اند. در نهایت می‌توان گفت کاهش و حذف سود تسهیلات بانکی می‌تواند راه‌کار مناسبی برای کنترل تورم در سطح جامعه باشد.

۴-۱. شبهات وارده از سوی مراکز دینی و فقهی

در نحوه جذب سپرده‌های سرمایه‌گذاری و پرداخت سود این سپرده‌ها و همچنین پرداخت تسهیلات در قالب عقود اسلامی همواره از سوی مراکز فقهی و دینی شبهات متعددی وارد گردیده که از آن جمله می‌توان به تعیین دستوری نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و نرخ تسهیلات، پرداخت سود تضمینی و قطعی به سپرده‌گذاران، اخذ سود تسهیلات و تعیین نرخ آن بدون توجه به بازدهی تسهیلات پرداخت شده، و چگونگی مصرف تسهیلات اخذ شده و اشاره نمود. با توجه به ضرورت یافتن راه‌کار مناسب به منظور رفع نواقص موجود در آثار قوانین نظام بانکداری اسلامی کنونی و رفع شبهات وارده ناشی از مبادله سود و توجه به سیاست‌های کلان اقتصادی که

همانا کنترل تورم در سطح جامعه می‌باشد، ناگزیر به یافتن روش‌های جدید و حرکت به سمت پرداخت تسهیلات بدون سود با الگوهای متفاوت هستیم به گونه‌ای که امکان دسترسی به این تسهیلات برای همه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی وجود داشته باشد، لذا می‌بایست در روابط حقوقی موجود بین سپرده‌گذاران و بانک یا مؤسسات سپرده‌پذیر تغییراتی داد و روش‌ها و روابط جدیدی را در نظر گرفت.

۲. بازنگری در روابط حقوقی سپرده‌گذاران با بانک یا مؤسسات سپرده‌پذیر
در این قسمت دسته بندی جدید از انواع سپرده‌گذاران با روابط متفاوت پیشنهاد می‌گردد.

۱-۲. صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری (بدون تغییر)
این افراد همانند گذشته به بانک وکالت با حق توکیل به غیر می‌دهند تا سپرده ایشان (کوتاه‌مدت - بلندمدت) را طبق قانون در غالب عقود مختلف به صورت مشاع به کار گیرند و منافع حاصل را طبق مقررات پس از کسر حق‌الوکاله به سپرده‌گذاران پرداخت نمایند. عمده‌تاً برای این افراد امکان سرمایه‌گذاری شخصی وجود نداشته و بانک را به عنوان وکیل انتخاب نموده‌اند.

۲-۲. سپرده‌گذاران با نیت خیر و قرض‌الحسنه
این افراد بدون هرگونه نیت انتفاع (بهره‌مندی از سود سپرده و تسهیلات) و صرفاً به منظور استفاده سایر افراد از سپرده ایشان و ترویج سنت قرض‌الحسنه اقدام به افتتاح حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری یا پس‌انداز می‌نمایند. رابطه این دسته از افراد بر خلاف گذشته (قرض‌دهنده) وکالت پیشنهاد می‌گردد.

براین اساس بانک به وکالت از این دسته سپرده‌گذاران نسبت به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به متقاضیان مصرف در امور ازدواج، اشتغال و ... اختصاص خواهند داد. بنابراین بر خلاف گذشته بانک‌ها حق تملک این سپرده‌ها را نخواهند داشت و نمی‌توانند منابع حاصل از این دسته سپرده‌ها را در اموری غیر از موارد تعیین شده در بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی مورد مصرف قرار دهند. لذا می‌توان منابع قرض‌الحسنه را به شکل مناسب و هدفمند هدایت و کنترل و نظارت نمود.

۳-۲. سپرده‌گذاران با هدف دریافت تسهیلات بدون سود (بهره)
این دسته، اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که در دوره‌ای از زمان دارای وجوه و نقدینگی مازاد بوده و در زمان‌های دیگر نیازمند استفاده از تسهیلات بانکی هستند این دسته از افراد به‌دلیل

بازدهی ناچیز و اندک سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلند مدت مایل به سپرده‌گذاری در این بخش نبوده و از طرف دیگر تمایل دارند از منافع حاصل از سپرده بانکی خود شخصاً بهره‌مند گردند و منافع آن در اختیار خودشان قرار گیرد. براساس قوانین موجود غیر از تسهیلات خرید یا ساخت مسکن، امکان هرگونه سپرده‌گذاری به منظور دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه یا غیر نفی گردیده است به منظور رفع این خلا قانونی و استفاده از تسهیلات قرضی (کارمزدی) برای این دسته از مشتریان نیازمند تعریف سپرده جدید با رابطه حقوقی جدید می‌باشیم.

۳. سپرده مشارکت مدنی (تسهیلات قرضی کارمزدی)

این دسته از سپرده‌ها که در قانون بانکداری اسلامی کنونی وجود ندارد، به عنوان راه‌کار افزایش سهم تسهیلات بدون بهره و رفع محدودیت‌های فعلی و در پاسخ به نیاز و درخواست آن دسته از مشتریان بانک‌هاست که هدف از سپرده‌گذاری ایشان دریافت تسهیلات بدون سود (بهره) در آینده است. رابطه بین این دسته از سپرده‌گذاران و بانک براساس مشارکت مدنی تعیین می‌گردد. مشارکت مدنی به مفهوم درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی و غیرنقدی اشخاص به منظور انتفاع می‌باشد و به عبارت دیگر براساس این رابطه، بانک و سپرده‌گذار مجموعاً تشکیل یک شرکت ثبت نشده (مدنی) را خواهند داد که هدف از تشکیل آن پرداخت تسهیلات بدون سود (کارمزدی) به واجدین شرایط می‌باشند. رابطه بین سپرده‌گذار و بانک براساس شراکت و آثار آن و قرارداد افتتاح این نوع سپرده مطابق با شرایط قراردادهای مشارکت مدنی تنظیم می‌گردد.

درصد سهم‌الشرکه بانک به میزان تکالیف قانونی بانک‌ها در خصوص سپرده‌ها (سپرده قانونی) و در حال حاضر ۱۰ درصد و میزان سهم‌الشرکه سپرده‌گذار ۹۰ درصد از کل مشارکت تعیین می‌گردد. بانک منابع حاصل از این قبیل سپرده‌ها (شراکت) را به شکل منطقی به نحوی که منافع همه شرکا در آن تضمین و تعهد گردد و به صورت قرضی و فقط در ازای دریافت کارمزد عملیات بانکی در اختیار واجدین شرایط قرار خواهد داد.

رابطه حقوقی گیرندگان این تسهیلات و بانک نیز داین و مدیون می‌باشد و گیرندگان تسهیلات ملزم به پرداخت اصل تسهیلات و کارمزد استفاده از آن می‌باشد.

شرکا (سپرده‌گذاران) نیز در صورت نیاز به تسهیلات و بررسی میزان مشارکت‌شان از سوی بانک (میزان این نوع سپرده در طول دوره مشارکت می‌تواند سیال و متغیر باشد) و دریافت اوراق حق تقدم استفاده از تسهیلات کارمزدی، در اولویت استفاده از این دسته از تسهیلات قرار می‌گیرند.

میزان اوراق کسب شده توسط شرکا از قبل مشخص نبوده و با بهبود عملکرد بانکها در کاهش میزان مطالبات و به وجود آمدن رقابت مناسب و سازنده بین بانکها مختلف می‌توانند در زمان‌های مختلف متفاوت باشند.

از آنجا که در پرداخت تسهیلات قرضی کارمزدی سود دریافت نمی‌شود و بانک به ازای تسهیلات پرداختی صرفاً اقدام به دریافت کارمزد خدمات بانکی می‌نماید، می‌توان گفت پرداخت تسهیلات مذکور منطبق با ضوابط و چهارچوب‌های شرعی صورت می‌پذیرد نظیر آنچه که امروز در پرداخت تسهیلات قرض الحسنه بانکها صورت می‌پذیرد از طرف دیگر به دلایل زیر دریافت اوراق حق تقدم استفاده از تسهیلات توسط سپرده‌گذاران مصداق ربح (سود حاصل از کسب و کار) و نه ربا خواهد بود.

در بیع و معامله، حتی به شکل اجحافی‌اش بالاخره یک تحرکی، کاری، به زحمت افتادنی، خط و تن به خطر دادنی و نگرانی در مورد نوسان قیمت‌ها، مسأله حمل و نقل و وجود دارد ولی در ربا شخص از این دست پول به افراد نیازمند می‌دهد و از آن دست با مقداری اضافه می‌گیرد در نتیجه عده‌ای مرفه بی‌آنکه کاری انجام بدهند و ضامن خسارت و اتلاف آن باشند روز به روز بر ثروت‌شان افزوده می‌شود و افراد ضعیف روز به روز ضعیف‌تر می‌گردند و سرانجام ربا وسیله‌ای برای استعمار و استضعاف و استثمار مردم توسط عده‌ای سرمایه‌دار خواهد بود (امام خمینی (ره)، ترجمه عبدالکریم بی‌آزارشیرازی).

در بینش سرمایه‌داری که هدف اصلی آن کسب در آمد اضافی از سرمایه به هر شکل و هر طریق است، سود سرمایه‌های پولی از طریق وام‌های سودبخش، مطمئن‌ترین و ساده‌ترین وسیله رسیدن به هدف که کسب سود و بهره است می‌باشد. اما در دین مبین اسلام از آنجا که سرمایه‌داری هدف نیست و سود رسانی به مردم هدف نهایی می‌باشد و چون این رابطه ارزش تولیدی دارد به نحوی که منجر به پدید آمدن یک چرخه اقتصادی و بهره‌مندی سایر افراد و سودرسانی به ایشان می‌شود، لذا منفعت حاصل مصداق سود خواهد بود و به عبارت دیگر از دیدگاه اسلامی درآمد ناشی از به‌کارگیری سرمایه‌ها در امور اقتصادی که مغایر موازین شرعی نباشد سود می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۷۹).

سرمایه‌های پولی در این روش در جریان تولید و معاملات سودمندی هستند که در معرض ریسک و محتمل سود و زیان نیز خواهند بود و سهم قابل توجه در رفع مشکلات اجتماعی (کاهش تورم) خواهند داشت از طرفی منشأ انتفاء سپرده‌گذار صرفاً پول و سپرده‌اش نیست بلکه منشأ سود بردن سپرده‌گذار کاری است که انجام می‌دهد (مشارکت) و در این راه هرگونه خسارت و اتلاف را به دلیل نوسان قیمت بر عهده می‌گیرد و در نهایت سود معقولی را برای کاری که انجام داده به دست

خواهد آورد که از قبل نیز مشخص و قابل پیش‌بینی نیست (آیت الله سیدمحمد حسینی بهشتی، ۱۳۸۷).

در این نوع قرارداد عدالت و منافع طرفین رعایت می‌گردد هم سپرده‌گذار از رابطه مشارکت بهره‌مند می‌گردد هم بانک و هم گیرنده تسهیلات، درحالی‌که در یک معامله ربوی، شخص رباخوار سود مقطوعی را بدون انجام کار و صرفاً با اخذ تضمین، کسب می‌نماید به عبارت دیگر در یک معامله ربوی رشد سرمایه به‌طور یک‌طرفه و بدون ریسک و صرفاً با اخذ تضمین تحقق‌پذیر است و طرف دیگر معامله ربوی ضعیف‌تر و فقیرتر می‌گردد (سبحانی، ۱۳۸۰).

از نظر اقتصادی این نوع رابطه موجب رشد اقتصادی و کاهش تورم می‌گردد درحالی‌که رباخواری موجب رکود و کاهش قدرت خرید می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۰).

جدول ۱. تراز یک بانک اسلامی با ابزارهای فعلی

دارایی	بدهی
مصارف	منابع
تسهیلات اعطایی:	سرمایه:
۱- قرض الحسنه: مبتنی بر رابطه داین و مدیون	سپرده‌های دریافتنی:
۲- گروه مشارکت: مبتنی بر شراکت و آثار آن	۱- قرض الحسنه: مبتنی بر رابطه
مضاربه، مشارکت، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه، مساقات	داین و مدیون
۳- گروه مبادلات: مبتنی بر رابطه خریدار و فروشنده	جاری و پس انداز
فروش اقساطی-اجاره به شرط تملیک-سلف-خرید	۲- سرمایه‌گذاری: مبتنی بر رابطه
دین	وکیل و موکل
۴- جعاله: مبتنی بر رابطه جاعل و آثار مترتب بر آن	کوتاه مدت و بلندمدت

جدول ۲. تراز یک بانک اسلامی با ابزار جدید

دارایی	بدهی
مصارف	منابع
تسهیلات اعطایی:	سرمایه:
۱- قرض الحسنه: مبتنی بر رابطه داین و مدیون	سپرده‌های دریافتنی:
۲- گروه مشارکت: مبتنی بر شراکت و آثار آن	۱- قرض الحسنه: مبتنی بر رابطه وکیل و مزارعه-مشارکت-سرمایه‌گذاری مستقیم-مزارعه-مساقات
۳- گروه مبادلات: مبتنی بر رابطه خریدار و فروشنده	جاری و پس انداز
فروش اقساطی-اجاره به شرط تملیک-سلف-خرید دین	۲- سرمایه‌گذاری: مبتنی بر رابطه وکیل و موکل
۴- جعاله: مبتنی بر رابطه جاعل و آثار مترتب بر آن	کوتاه‌مدت و بلندمدت
۵- قرضی (کارمزدی): مبتنی بر رابطه داین و مدیون	۳- سپرده مشارکت مدنی: مبتنی بر رابطه مشارکت و آثار آن

نتیجه‌گیری

با تعریف رابطه جدید بین بانک و سپرده‌گذار (مشارکت مدنی تسهیلات قرضی و کارمزدی) موانع و دلایل شرعی و قانونی جهت سپرده‌گذاری اشخاص به منظور دریافت تسهیلات بدون سود از میان خواهد رفت و بانک‌ها و مؤسسات مالی با در پیش گرفتن فرآیندی منطقی و اصولی نسبت به تضمین منافع شرکا (سپرده‌گذاران) و پرداخت تسهیلات قرضی-کارمزدی به صورت تعهدی اقدام خواهند نمود.

میزان و نسبت تسهیلات بدون بهره به سایر عقود بانکی افزایش خواهد یافت و با این روش هزینه تمام شده بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین مالی کم شده و این کار موجب رونق تولید و بر اساس استدلال صورت پذیرفته موجب کاهش تورم خواهد شد. لازم به ذکر است در حال حاضر سقف ریالی پرداخت تسهیلات مبتنی بر اخذ کارمزد بسیار ناچیز می‌باشد که با تعریف رابطه جدید،

این محدودیت‌های ریالی از بین خواهد رفت و همه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی بدون محدودیت قادر به استفاده از این تسهیلات خواهند بود.

شبهات وارده به نظام بانکداری کنونی که عمدتاً در چگونگی مصرف تسهیلات بانکی و سود متعلقه (ثابت و دستوری) به دلیل حذف سود در جریان پرداخت تسهیلات از بین خواهد رفت و افراد براساس انواع نیازهای‌شان و بدون در نظر گرفتن نوع مصرف می‌توانند از این نوع تسهیلات استفاده نمایند.

با دسته‌بندی جدید میزان دقیق سپرده‌های قرض‌الحسنه که با نیت خیر افتتاح گردیده مشخص شده و با تعریف رابطه حقوقی جدید وکالت برای این سپرده‌گذاران می‌توان منابع حاصل از این قبیل سپرده را به جامعه هدف هدایت نمود. در حال حاضر و از آنجا به طور غیررسمی و غیرقانونی افراد برای دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه اقدام به سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه در مؤسسات می‌نمایند نمی‌توان رده‌بندی مناسبی از این دو هدف داشت.

ماحصل تحقیقات صورت پذیرفته در خصوص رابطه بین محدودیت‌های مالی، ارزش وجه نقد و خالص سرمایه‌گذاری شرکت‌ها (بادآور نهندی و درخور، ۱۳۹۲) مبین آن است که نگهداری سطح مطلوب از وجه نقد سبب افزایش ارزش شرکت شده و در نهایت منجر به افزایش ثروت سهامداران می‌گردد و قدرت سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را افزایش می‌دهد و با آن رابطه مستقیم دارد و این افزایش در شرکت‌ها دارای محدودیت‌های مالی بیشتر است و به مدیران توصیه می‌گردد همواره وجوه نقد کافی نگهداری نمایند، هدایت این وجوه نقد (با ضریب نقدشوندگی آنی) در سپرده‌های مشارکت مدنی و بهره‌گیری از مزایای آن (دریافت تسهیلات بدون بهره) می‌تواند ارزش مضاعفی برای این وجوه نقد پدید آورد و در نهایت منجر به افزایش بازدهی مازاد برای این وجوه گردد.

منابع:

۱. مهرگان، نادر. عزتی، مرتضی. اصغری، حسین (۱۳۸۵). بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و تورم با استفاده از داده‌های تابلویی: فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی سال ششم شماره سوم صص ۳۲-۴۷
۲. ابونوری، عباس‌علی. سجادی، سمیه‌السادات (۱۳۹۲). رابطه بین نرخ تورم و نرخ سود سپرده‌های باکی در سیستم بانکداری ایران: فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی سال اول شماره سوم صص ۲۳-۵۲
۳. امام خمینی(ره). ترجمه عبدالکریم بی‌آزارشیرازی. رساله نوین تحریرالوسیله جلد دوم. مسائل اقتصادی: انتشارات مؤسسه انجام کتاب ص ۱۹۵
۴. جمشیدی، سعید (۱۳۷۹). بانکداری اسلامی: انتشارات شکوه اندیشه صص ۲۲
۵. شهید آیت‌الله بهشتی (۱۳۸۷). بانکداری، ربا و قوانین مالی در اسلام: بنیاد نشر و آثار و اندیشه‌های دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی صص ۳۳-۴۴
۶. سبحانی، حسن (۱۳۸۰) دغدغه و چشم‌انداز اقتصاد اسلامی: انتشارات کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) صص ۱۶۶ و ۱۶۸
۷. بادآورنهندی، یوسف. درخور، سعید (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین محدودیت‌های مالی، ارزش وجه نقد و خالص سرمایه‌گذاری: نشریه پژوهش‌های تجربی و حسابداری سال دوم شماره هشت صص ۱۶۷-۱۸۹